

## تاریخ پردازی صهیونی

### شمس الدین رحمانی

با عرض سلام خدمت حضار گرامی. موضوعی که برای اینجانب انتخاب شده است «تاریخ پردازی صهیونی» است. عنوان تاریخ پردازی کاملاً گویای این مطلب است که می‌خواهیم بگوییم یهودیان در نگارش تاریخ واقعیت و حقیقت مطلب را بیان نکرده‌اند. واقعیات تاریخی را به نفع خود تغییر داده‌اند و به عبارت کاملاً صحیح به تاریخ پردازی پرداخته‌اند. اما پیش از پرداختن به این مبحث باید یک مسأله را خاطر نشان کنم که دلیل اهمیت پرداختن به این مسأله در کجاست؟ اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع و دلیلی که در اختیار داریم کتاب قرآن کریم است. در قرآن بیش از همه به قوم یهود پرداخته شده است. بیش از همه از تاریخ این قوم گفته شده است تا ما هوشیار باشیم و بدانیم که دشمنان ما چه کسانی هستند و از چه ابزارهایی بهره برده‌اند. حال در این مجال کوتاه به برخی مستندات تاریخ پردازی می‌پردازیم. مقاله‌ای در اختیار شماست که قبلاً در کتاب «پژوهه صهیونیست» منتشر شده. آن زمان که این مقاله منتشر شد کتاب‌های تاریخ یهود بسیار کم و معدود بود. اما از آن تاریخ تا کنون کتاب‌های زیادی درباره تاریخ یهود در ایران توسط برخی ایرانیان یهودی ساکن لس‌آنجلس منتشر و روانه بازار شده. اکثر کتاب‌ها به زبان فارسی است و آن تعدادی که به زبان انگلیسی است هم به فارسی ترجمه شده و در اختیار مردم قرار گرفته. کتاب تاریخ یهود ایران نوشته «حبیب لوی» هم به طور خلاصه شده مجدداً به بازار عرضه شده با برخی تغییرات و حذف‌هایی که در آن صورت گرفته. آن قسمت‌هایی از کتاب که مورد نقد بوده و مستند نبوده حذف شده و به طور خلاصه و جمع و جور در شکل و رنگ جذاب وارد بازار شده.

بسته بندی کالا و زیبایی ظاهری آن نیز از شگردهای یهودی هاست برای جلب مشتری و افکار عمومی؛ و گرنه اگر

مطلبی قابل اعتنا و مستدل باشد خیلی نیازی به ظاهر آرائی ندارد.

و همین‌طور کتاب «قوم من تاریخ بنی اسرائیل» که «آبا ابان» نوشته و به فارسی ترجمه شده است. این موارد که به

عنوان مثال گفتم از جمله کتاب‌هایی بود که خود یهودی‌های نگاشته‌اند. اما دسته دیگری از کتاب‌های تاریخی نیز

وجود دارد که فراماسونرها نوشته اند. فراماسونرها هم در نگارش تاریخ همان خط و مشی یهودیان و صهیونیست ها را عمل کرده اند و طرفدارانه به قضیه تاریخ یهود نگاه کرده اند.

این بخشی از تحریف تاریخ است که یا طرفداران یهود یا خود یهودیان می نویسند با ایجاد تحریفاتی به نفع آنها. مثلاً **ویل دورانت** که کتاب تاریخ تمدن را نوشته همسرش **آریل دورانت** یهودی است و او هم در کتابش خیلی طرفدارانه به قوم یهود پرداخته. همین طور **آندره موروا** که کتاب تاریخ انگلستان را نوشته.

اما این بخشی از کار است. تدبیرهای دیگری هم به خرج داده اند. از جمله اینکه گاهی کتاب های خوبی نوشته شده اما از طریق کمپانی های نشر جلوی آن را گرفته اند. که نمونه های آن را ذکر خواهم کرد. تدبیر دیگری که انجام داده اند این است که در نقل تاریخ یک مفهوم را با یک کلمه این قدر تکرار کرده اند که آن کلمه جا افتاده. برای مثال در مورد تاریخ ایران می گویند حمله عرب ها به ایران. با این تحلیل که چند بار به امپراطوری ایران حمله شده یک بار عرب ها حمله کرده اند، یک بار مغول ها حمله کرده اند، در حالی که ما می دانیم که حمله عرب ها در صدر اسلام اتفاق افتاده یعنی در حقیقت مسلمان ها به امپراطوری ایران حمله کردند نه عرب ها. وقتی عبارت حمله عرب ها را به کار می برند، می خواهند این قضیه را در ردیف مثلاً حمله مغول ها بگذارند. که جنگ شده و ایران شکست خورده و عرب ها پیروز شدند. در این عبارت القا وجود دارد.

مثلاً آنها از عبارت **انوشیروان عادل** برای توصیف این پادشاه ساسانی استفاده می کنند.

یعنی انوشیروان، پادشاه عادل بود. در حالی که حبیب لوی در کتاب تاریخ یهود ایران می نویسد: انوشیروان به محض اینکه به پادشاهی رسید تمام اولاد ذکور خود را کشت تا دیگر کسی مدعی حکومت نباشد. وقتی هم که قدرت گرفت چهل هزار مزدکی را کشت. آن هم به چه شکلی. آنها را درون صندوق هایی انداخت که سوراخ کوچکی داشت و اینها از آن سوراخ می توانستند نفس بکشند و از همان سوراخ سرب داغ به حلق آنها ریخت. اما از نظر یهودی ها انوشیروان، عادل بود؛ چون در دوران حکومتش به نفع یهودی ها کار کرده اما از طرف دیگر کسی مثل شاه سلطان حسین آخرین پادشاه صفوی را مسخره می کنند. چون یکی از متدین ترین پادشاهان ایران بوده. باید خیلی مراقب باشیم که این تحریف ها در انقلاب ما به وجود نیاید که مطمئن باشید در صدد آن نیز هستند. مثلاً الان اسناد لانه جاسوسی کجاست؟

خاطرات حسین فردوس کجاست؟ در حالی که این کتاب به قدری اهمیت داشت که سیستم امنیتی انگلستان بعد از انتشار این کتاب تغییر کرد.

بلافاصله پس از انتشار کتاب فردوس، دهها کتاب از خاطرات طاغوتیان فراری منتشر شد تا مطالب مستند فردوس را رد کنند. این بخشی از تدابیری که است که آنها در نظر گرفته اند، برای تحریف و جعل تاریخ به نفع خودشان. اگر ما تاریخ را درست مطالعه نکنیم و بخواهیم این جعلیات را قبول کنیم به نتایج غلطی می رسیم. مثلاً درباره تاریخ مشروطه و دار زدن شیخ فضل الله نوری به این نتیجه می رسیم که این عمل درست بوده چون او می خواسته در مقابل انقلاب بایستد. اما اگر درست مطالعه کنیم و موضوع را مورد بررسی قرار دهیم متوجه می شویم هدف از این اقدام چه بوده است و چه کسانی دست به این عمل زدند؟

همین مساله درباره شهید مدرس و دیگران نیز صدق می کند.

تاریخ نقش فوق العاده بزرگی نه فقط در زمینه های سیاسی بلکه در همه زمینه ها دارد. مثلاً در تاریخ علوم، در رأس همه دانشمندان اسم «سر اسحاق نیوتن» برده می شود. اما اکثر مواقع توجه نمی کنیم که لقب سر به چه کسانی داده می شود و اسم اسحاق متعلق به چه کسانی است؟

کتابی هست به نام «صبح امید» نوشته «عبدالله نازی» که مثل کتاب حبیب لوی نوشته شده و مسائل بی ربط به یکدیگر را بیان کرده اما در جایی از کتاب می نویسد: نیوتن یهودی است. در حالی که اگر بخواهیم جایگاه واقعی نیوتن در علم را پیدا کنیم وقتی از دانشمندان و متخصصان علم فیزیک سوال می کنیم. می گویند اصلاً این طور نیست که نیوتن جایگاه خاص و ویژه ای در علم داشته باشد به هیچ وجه به این شکلی که سر و صدا راه انداخته اند نیست. اما مورد دیگری را برای شما مثال می زنم. کتابی هست تحت عنوان «علم به کجا می رود» اثر «ماکس پلانگ» که مقدمه آن را آلبرت اینشتین نوشته و در آن مقدمه عنوان کرده که نظریه نسبیت - که متعلق به اوست - بیش از هر چیز مدیون مطالعات و پژوهش های ماکس پلانگ است. اما ما در رأس همه دانشمندان قرن بیستم آلبرت اینشتین را می شناسیم و هیچ کس به اهمیت نقش ماکس پلانگ پی نبرده و مطالعه نکرده.

در زمینه مسائل اقتصادی «ماکس وبر» راهمه دانشگاه ها می شناسند- این دانشگاه بیش از همه<sup>۱</sup> - او کتابی دارد به نام «پروتستان ها و مناسبات اقتصادی» در سال ۱۹۰۶ نگاشته شده. ۵ سال بعد از این تاریخ، دوست و همکار آقای ماکس وبر فردی به نام «ورنر سومبارت» کتاب نوشته به نام «یهودیان و حیات اقتصادی مدرن» که در آن کتاب مطرح کرده که ادعا آقای ماکس وبر درست نیست و این تحولات اقتصادی و نظریه های اقتصادی متعلق به یهودیان است و نه پروتستان ها. اما در طی این ۹۰ سال که از تألیف این کتاب گذشته این کتاب به فارسی ترجمه نشده بود تا امسال و چند ماه قبل که ترجمه فارسی آن منتشر شد. کتاب بسیار عجیبی است. کتاب پیش از همه این تحولات و تشکیل دولت اسرائیل و اعلامیه بالفور و ... نوشته شده.

این گونه است که یهودیان دست به تاریخ سازی می زنند و در آن دخل و تصرف و تحریف ایجاد می کنند. بزرگترین هدف آنها هم دنیای اسلام است. در این ۳۰۰ سال اخیر قرن ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ بسیار دقیق و منسجم این حجمه را علیه دنیای اسلام داشته اند.

اما به کتاب تاریخ یهود در ایران نوشته حبیب لوی پردازیم. این کتاب مقدمه قبلی دارد که آن مقدمه در قالب رمان نوشته شده. آنها سعی کرده اند از طریق داستان القای تاریخی انجام بدهند. تأثیر بسیار شگرفی هم دارد. زیرا عموم مردم از داستان استقبال می کنند.

مثلاً کتاب حاجی بابای اصفهانی - که در سال ۱۸۰۸ خیلی پیشتر از کتاب حبیب لوی نوشته شد - یک داستان از زندگی حاجی بابا است شخصی به نام **جیمز موریه** که مامور فرانسوی است در سفر به ایران با حاجی بابا اصفهانی برخورد کرده است و خاطرات زندگی او را نوشته. در حالی که اینجانب معتقدم این کتاب تألیف خود موریه است. جیمز موریه یهودی است به علاوه آقای **محمد علی جمالزاده** که ترجمه **فرصت شیرازی** را بررسی و تدوین کرده در مقدمه کتاب کاملاً توضیح می دهد که اصل کتاب فرانسوی است و ترجمه انگلیسی آن چطور بوده و همه روند ترجمه و تاریخ نگارش کتاب را مفصل شرح می دهد. آقای جمالزاده یک کتاب تألیف کرده به نام **خلقیات ما ایرانیان** که کتاب تاریخ فرهنگ است و در آن خلقیات ما ایرانیان را توضیح داده. این سه - کتاب، شامل **تاریخ یهود در ایران** تألیف آقای حبیب لوی، **خلقیات ما ایرانیان** نوشته آقای جمالزاده و **حاجی بابا اصفهانی** تألیف جیمز موریه - یک محور اساسی

---

<sup>۱</sup> - منظور دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره) است.

دارند که آن محور این است که ملت ایران را ملت بی فرهنگ، بدبخت، بیچاره، آدم های اهل دزدی و رشوه خواری و کلاهبرداری معرفی کنند و بگویند: روحانیون که بر این جامعه حاکمند، افراد بسیار بدی هستند و زنان در اینجا مورد ظلم قرار می گیرند و چنین توصیفات از ملت ایران ارائه می دهند.

به عبارتی، اصل بر این بوده که ملت ایران این طور تصویر بشود.

حبیب لوی در کتاب خود به **شیخ بهائی** ایراد می گیرد به این دلیل که او به یهودیان اعتنا نمی کرد.

هر کس با یهودیان خوب بوده در کتاب از او تعریف و تمجید صورت گرفته. هر کس با یهودیان میانه خوبی نداشته و در راستای خواسته های آنها حرکت نکرده از او بد گوئی شده.

مثلا درباره ملکه استر، ملکه یهودی زمان هخامنشیان که قبرش در همدان است و برای یهودیان مقدس است کتاب تورات یک بخشی دارد به نام استر که در این بخش توضیحاتی درباره ملکه و نحوه قتل عام ۷۰ هزار نفر از موبدان آمده است. تنها منبعی که از واقعه استر به جا مانده همین کتاب تورات است که در آن نقل شده است.

ماجرا از این قرار است که طی توطئه ای زن خشایار شاه را کشتند پادشاه بعد از این عمل، پشیمان می شود و به همین دلیل تصمیم می گیرند از میان دختران زیبا تعدادی را انتخاب کنند و از بین آنها یک نفر زن خشایار شاه بشود. در این بین برنامه ای طراحی می کنند که استر زن خشایار شاه بشود و با همکاری عمویش «مرد خای» یهودی به همسری پادشاه انتخاب می شود. خشایار شاه وزیری داشت به نام **هامان** که او و پسرانش قصد داشتند دست یهودیان را از حکومت کوتاه کنند. خانم استر در یک مجلس عیش و نوش خشایار شاه را مجبور کرده حکمی بنویسد که در طی آن یهودیان اجازه پیدا کنند که تمام دشمنانشان را نابود کنند.

توضیحات این واقعه در بخش استر در کتاب تورات آمده: «... حال مسئول تو چیست؟ که به تو داده خواهد شد. استر گفت

اگر پادشاه را پسند آید به یهودیانی که در شوشن می باشند اجازت داده شود که فردا روز نیز مثل فرمان امروز عمل نمایند و سایر یهودیانی که در بلاد پادشاه بودند جمع شدند و برای جان های خود مقاومت کردند و ۷۷ هزار نفر مغبضان خویش را کشتند تا آرام یافتند. این در سیزدهم روز آدار واقع شده بود».

توجه کنید در عرض سه روز تمام یهودیان در سر تا سر ایران ۷۷ هزار نفر از کسانی که فکر می کردند دشمن آنها هستند کشته اند. اما شما حق ندارید به این عمل بگویید هولوکاست و نسل کشی. این عبارت فقط برای کشتار یهودیان

در جنگ دوم جهانی به کار می رود. اگر کسی به کشتار یهودیان در جنگ دوم جهانی شک کند مجازات زندان دارد. اگر عبارت هولوکاست را برای غیر از کشتار یهودی ها به کار ببرد کسی که در اروپا و آمریکا زندگی می کند، مجازات زندان دارد. **دکتر فوریسون** - که کتابی نوشته درباره اتاق های گاز- در مقدمه کتاب می نویسد: می خواستم کار علمی و تحقیقی انجام بدهم درباره این کشتار فجیع تا این فقط ادعا نباشد بلکه سند و مدرک هم داشته باشد. اما هر چه جستجو کردم هیچ سندی پیدا نکردم و فهمیدم که این قضیه دروغ است. توجه کنید کسی که می خواسته به نفع یهودی ها کار کند حالا کتاب می نویسد علیه آنها.

آقای هاشمی رفسنجانی درباره سرگذشت فلسطین کتاب نوشته در قبل از پیروزی انقلاب، در پاورقی کتاب می نویسد: از نشریات سراسر اروپا آمار جمع آوری کردیم که بدانیم جمعیت یهودیان در اروپا چقدر بوده . جمعیت یهودیان در آن زمان به ۴ میلیون نفر هم نرسید. پس رقم ۶ میلیون کشته یهودی از کجا آمده است؟ اسم فاشیسم را در تاریخ بد نام کردند. اما اسم خشایارشا و کوروش را بزرگ کردند و به عنوان کسانی که باید مورد قدردانی قرار بگیرند معرفی شدند. چون آنها اعلامیه حقوق بشر دادند که یهودیان به سرزمین خودشان بر گردند. تاریخ ایران را از پادشاهان طرفدار یهودی محاسبه می کنند و قبل از آن را قبول ندارند. تاریخ شاهنشاهی ایران را ۲۵۰۰ سال از زمان کوروش حساب می کنند در حالی که قبل از او هم پادشاهی در ایران بوده. بخش دیگری که برایتان بازگو می کنم در اواسط قرن ۱۹ سال های ۵۰ - ۱۸۴۰ وقایعی در اروپا رخ می دهد. نویسنده ای به نام **الکسی دوتوکویل** جامعه شناس که کتابی دارد به نام **دموکراسی آمریکا**. در آن کتاب ادعا کرده که قرن آینده دو ابر قدرت در جهان به وجود می آید اول روسیه و دیگری آمریکا. این شخص چطور توانسته این طور پیش بینی کند؟

همین پیشگویی در کتاب دیگری به شیوه دیگری نیز مطرح شده. در همان زمان کتابی نوشته شده تحت عنوان **یهودی سرگردان** که نوشته آقای **اوژن سو** است در کتاب مطرح می کند که یک خانواده یهودی در هند هستند که ثروتش در فرانسه به غارت رفته و می خواهند به فرانسه بروند. در راه به یهودی سرگردان<sup>۲</sup> بر خورد می کنند.

---

<sup>۲</sup> - قصه یهودی سرگردان این است که زمانی که حضرت مسیح را به صلیب می کشند یک یهودی او را مسخره می کند و می خندد حضرت مسیح هم او را نفرین می کند و از آن موقع تا حالا این یهودی سرگردان است و گاهی هم در مناطق مختلف به شکل یک آدم چهل ساله که

و بعد این عبارت را به کار می برد: این یهودی به سمت شرق حرکت می کند یعنی روسیه و چین و هر جا که می رود پشت سرش قحطی و کشتار و جنگ و فقر اتفاق می افتد. این یهودی زنی دارد که بسیار زیباست و به طرف غرب حرکت می کند. یعنی آمریکا و کانادا هر جا که می رود فراوانی نعمت و آرامش و سبزی و خرمی به وجود می آید.

در این ایام در اروپا خانواده ای حکومت می کند به نام روچیلد که بسیار پولدار هستند و به همه دولت های اروپائی وام می دهند. به طوری که در یک فاصله ۴۰ ساله همه دولت های اروپائی به آنها بدهکار بودند بدهکاری های بزرگ با رقم های نجومی.

تمام هنرمندان و سیاستمداران زیر نظر روچیلدها هستند و کاملاً بر اوضاع اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، مسلطند. پیشرفت صنعت در اروپا به نفع مردم نشد بلکه به پولدارتر شدن پولدارها منجر شد. چون صنعت در اختیار سرمایه داران قرار گرفت و تلاش کردند آن فرهنگ صنعتی که در انگلستان برای اولین بار شکل گرفت به همه جای دنیا اشاعه دهند. فرهنگی که تولید زیاد را تبلیغ می کند و تأسیس بانک های ربوی که فقط به نفع سرمایه داران عمل می کند.

بانک ملی در ایران را هم روچیلدها تأسیس کردند. و همین خاندان مقدمات تشکیل دولت اسرائیل را فراهم کردند. در همین دوره اواسط قرن ۱۹ نخست وزیر قدرتمند انگلیس **آقای بنیامین دیزرائیلی** کسی است که عنوان بریتنای کبیر را برای انگلیس به کار برد و امپریالیسم را در ادبیات سیاسی ابداع کرد. او یک یهودی است و اولین کتاب رمان مربوط به اسرائیل را همین آقا تالیف کرده.

خانواده روچیلدها به آقای **بنیامین دیزرائیلی** وام می دهند که کانال سوئز را خرید و قول دادند که جایی را برای یهودی ها درست کنند در منطقه خاورمیانه. ۵۰ سال بعد وزیر خارجه انگلیس **جمیز بالفور** اعلامیه معروف بالفور را نوشت خطاب به لرد روچیلد عزیزم.

این خانواده کار دیگری را هم سازمان می دهند که تعداد زیادی از یهودیانی که در روسیه ساکن بودند به آمریکا منتقل می کنند که آنجا را هم در اختیار بگیرند. به این قضیه **پوگروم** می گویند. در روسیه عده ای از جنگل ها و مخفی گاهها بیرون می آمدند و یهودی ها را می کشتند نتیجه این نا امن شدن فضا این بود که ۲/۵ میلیون یهودی تصمیم به مهاجرت گرفتند و به آمریکا رفتند.

بلافاصله در آمریکا مافیای مواد مخدر، مافیای سینما، گوشت و غیره درست شد. تمام این مافیا روس های مهاجر بودند که قبل از جنگ جهانی اول به آمریکا رفتند.

پیش بینی **الکسی دو توکویل**، طرح یهودی سرگردان **اوژن سو**، واقعه پوگروم و قصه شروع قرن بیستم. اعلامیه بالفور یک سال مانده به جنگ جهانی اول مطرح می شود. جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ شروع و ۱۹۱۸ به پایان رسید. دو دشمن اصلی و بزرگ یهودی ها در این جنگ از بین می روند. یکی روسیه تزاری که به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبدیل شد که ۸۰ درصد بزرگان و رهبران آن عموماً یهودی اند.

کتابی ترجمه شده خیلی دیر، ۵۰ سال بعد از تالیفش به نام **فاتحین جنگ** نوشته **لوئیز مارشال کو** ترجمه عبدالرحیم گواهی که در کتاب شرح می دهد که بعد از جنگ جهانی دوم، یهودی ها در دنیا چه کرده اند.

و ابر قدرت دیگر آمریکا است. در آمریکا سال ۱۹۱۹ شورایی تشکیل می شود تحت عنوان شورای روابط خارجی. توضیح این مورد هم در کتاب **تراست مغزهای امپراطوری** آمده ۲ نفر از اعضای این شورا نوشتند. این شورا در ابتدا با ۵۰ و ۲۴۰ نفر عضو تشکیل شد ۸۰٪ از اعضا را سرمایه داران و ۲۰ درصد از استادان و متخصصان علوم ارتباطات و مسائل سیاسی تشکیل می دادند که طرح هایی را تهیه کنند برای تنظیم روابط خارجی آمریکا. الان این شورا ۱۵۰۰ نفر عضو دارد. تمام آدم های مؤثر و با نفوذ آمریکا مثل اعضای کنگره و کلینتون و کارتر و غیره عضو این شورا هستند.

از سال ۱۹۷۲ که سال بسیار مهمی است رهبری این شورا از گروه یهودی **مورگان** به دست یک خانواده یهودی پروتستان شده به نام **راکفلر** افتاد و از آن سال یک کمیسیون ۳ جانبه تأسیس کرد از آمریکا و اروپا و آسیا برای طرح **نظام واحد جهانی** یا همان **نظم نوین جهانی** که مقدماتش از قبل شروع شده بود از زمان روچیلدها و استعمار و ..

راکفلر هم رئیس شورای روابط خارجی است و هم کمیسیون سه جانبه را هدایت می کند. راکفلرها دو برادر بودند که تا ۴-۵ سال پیش زنده بودند هر کدام از آنها بزرگترین بانک آمریکا را صاحب بودند. ثروت های این خاندان در کتاب

**راکفلرها** که به نام فارسی ترجمه شده. نوشته شده اما وقتی کتاب را مطالعه می کنیم متوجه می شویم که نسل پنجم پدران آنها دستفروش بوده و آب داخل شیشه می کرده و به اسم دارو می فروخته است و از این روستا به آن روستا رفته و به این شکل ثروت جمع کرده. این خاندان همان کسانی هستند که صاحب برج های دو قلو بودند. این خانواده همان خانواده ای است که ساختمان سازمان ملل را درست کردند و زمینش را به سازمان ملل متحد هدیه کردند. در این حالت



شما باور می‌کند اینها سازمان ملل درست کنند و بعد سازمان ملل علیه اینها موضع گیری کند. وقتی خبری علیه امریکا می‌شود آقای کوفی عنان راه می‌افتد این طرف و آن طرف دنیا، اما این همه کشتار در فلسطین می‌شود هیچ کس صحبتی نمی‌کند.

یک موضوعی درباره انفجار ساختمان دو قلوها فراموش شده و آن هم اینکه ده روز قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۵۰۰ NGO از سر تا سر دنیا در دوران آفریقای جنوبی جمع شده بودند که موضوع آنها این بود که همان طور که یهودی‌ها برای کشتار خود در جنگ دوم جانی غرامت می‌گیرند، سیاه‌پوستان هم به خاطر تبعیض نژادی غرامت می‌خواهند. سیاه‌پوست‌ها الان غرامت نمی‌گیرند اگر یهودی‌ها توانستند بگیرند پس سیاه‌پوست‌ها باید بگیرند. یک اتفاق دیگر این که به صهیونیسم لقب نژاد پرست می‌دادند که این هم برای آنها داشت کم کم مسأله می‌شد. واقعه ۱۱ سپتامبر پیش آمد و فضا ناگهان تغییر کرد.

همین یهودی‌ها تجارت برده می‌کردند. در طول ۳-۴ قرن ۲۰ میلیون سیاه‌پوست در مزارع، برای امریکا کار کردند و آنها ثروت جمع کردند. در همان ایام اجلاس دوران در روزنامه‌ها خواندم یک خاخام یهودی گفته بود از تجارت برده شرمنده ایم.

یک نکته را نیز درباره روشنفکری بگویم. در قرن ۱۸ سال ۱۷۱۷ تشکیلات فراماسونری به دست یهودی‌ها در انگلیس درست شد. قرن ۱۸ به نام قرن روشنفکری نامیده شد. در همه کتاب‌ها مثل دایره المعارف فارسی اگر نگاه کنید- این کتاب را مثال می‌زنم چون این کتاب در قبل از پیروزی انقلاب توسط موسسه فرانکلین منتشر شده و دیگر جای بحث نیست که اعتراض کنند که سخن ضد یهودی هاست بلکه از مدارک خودشان استفاده می‌کنیم- جلد اول این کتاب روشنفکری را توضیح داده که روشنفکر کسی است که با عقل و خرد به قضایا نگاه می‌کند. عقل و خردی که متأثر از علم تجربی اروپائی است. اما قرن ۱۹ قرن صنعت نامیده می‌شود. به قرن بیست هم دارند عنوان **قرن روشنفکران** می‌دهند. کتابی نوشته شده به عنوان قرن روشنفکران تألیف **میشل وینوک** ترجمه آقای مهدی سمسار و روزنامه ایران هم از تاریخ ۷ آبان مقاله **رامین جهان بیگ لو** را منتشر کرده است. در کتاب به صراحت اما در مقاله فقط اسامی را ذکر کرده عنوان می‌کند که روشنفکر یعنی یهودی و طرفدار یهودی.

در مقاله آقای رامین جهان بیگ لو روشنفکری بر ۷ دوره تقسیم شده.

دوره اول از سال ۱۸۹۷ تا قضیه **گریبوس** شروع می شود و سر آغاز روشنفکری فرانسه است. قضیه گریبوس هم این است که یک افسر یهودی فرانسوی است که به اتهام جاسوسی زندانی می شود و بعد روشنفکران یهودی و ماسون فرانسه با این قضیه مقابله می کنند تا بتوانند گریبوس را آزاد کنند. نفر اول این دوره آقای است به نام **امیل زولا** که اعلامیه می دهد قضیه گریبوس را محکوم می کند. سال ۱۸۹۷ یک سال بعد از گنگره بال سوئیس است. امیل زولا بدترین رمان ها را با ناتورالیسم نوشته و یکی از فاسد ترین نویسندگان از نظر اخلاقی است. اما یک نویسنده دیگر به نام **بورده** و که بیش از صد کتاب رمان دارد هیچ کس او را نمی شناسد. چون متدین مسیحی است و با فحشا مخالف است. و به خانواده تاکید دارد. این ارزیابی چطور انجام می شود؟ کجا صورت می گیرد؟ دایره این اقدام از ادبیات و تاریخ و سیاست فراتر می رود و همه زمینه ها را در بر می گیرد. در زمان اشغال فرانسه فردی به نام **مارشال پتن** که در فرانسه بسیار محبوب است و قهرمان نظامی آن کشور است. این فرد با آلمان مذاکره کرد و به این شکل آلمان از فرانسه بیرون بروند اما فرانسه با آلمان درگیر نشود و از جنگ کنار بکشد. یهودی ها به مارشال پتن و تمام طرفدارانش تهمت ضد روشنفکری و خائن زدند. در جنگ ۶ روزه که جلال آل احمد کتاب سفر به ولایت عزرائیل را به جای اسرائیل نوشت توضیح می دهد که چطور در عرض ۶ روز ارتش اسرائیل سه کشور مسلمان اردن، سوریه و مصر را داغون کرد و ژان پل سارتر و آن کرگدن - منظور اوژن یونسکو است - تبلیغ کردند در فرانسه به نفع بدبخت ها، بیچاره ها، اسرائیل و پول جمع کردند و به اسرائیل فرستادند ظرف ۴۸ ساعت ۳ میلیارد فرانک فرانسه پول جمع کردند.

در حالی که در کتاب قرن روشنفکران می نویسد طبیعی است که قوم مظلوم یهودی که از کوره های آدم سوزی فرار کردند و هیچ قدرتی نداشتند و بین کشورهای عربی گیر افتاد بودند، از خودشان دفاع کنند.

در مقابل همه این اقدامات و تحریفات قوم یهود وظیفه ما سوال تحقیق و پژوهش است. آیا باید هر چیز را که خواندیم بی مقدمه قبول کنیم یا بررسی کنیم ببینیم که چه کسی ادعا کرده با چه هدفی و با چه انگیزه ای؟ الان تصمیم گرفته شده که در کتاب های مدارس تاریخ صلاح الدین ایوبی را حذف کنند چون جوان ها ندانند که زمانی کشور آنها مورد حمله دشمن قرار گرفته و بودند کسانی که مقاومت کردند و توانستند دشمن را بیرون کنند اما قضیه اسکندر را مطرح می کنند و بزرگ جلوه می دهند تا روحیه شکست را تقویت کنند.

مانسبت به حقایق تاریخی رسالت سنگینی داریم و نباید هر چیزی را به راحتی بپذیریم باید سوال کنیم و با آگاهی پیش

برویم. آ